

بین‌النهرین در دوران پیش از تاریخ

از پیدایش تا دوران آغاز ادبیات

دکتر صادق ملک‌شهمیرزادی

تابستان ۱۳۹۰

به یاشار عزیزم، که وقتی هفت سال داشت

یکی از او پرسید:

«اهل کجایی؟»

گفت:

«ایرانی ام»

فهرست

- ۹ مقدمه
- ۱۱ جغرافیای طبیعی بین‌النهرین
- ۱۵ مقدمه‌ای بر مطالعات
باستان‌شناسی بین‌النهرین
- ۲۳ ادوار مختلف فرهنگ‌های
پیش‌ازتاریخ بین‌النهرین
- ۲۹ بررسی اجمالی آثار و بقایای
فرهنگ‌های پیش‌ازتاریخ بین‌النهرین
- ۴۹ دوران آغاز کشاورزی
و استقرار در دهکده‌ها
- ۱۴۱ پیوست ۱:
سفال
- ۱۴۷ پیوست ۲:
جدول‌ها، طرح‌ها و عکس‌ها
- ۱۵۶ منابع

مقدمه

در تیرماه ۱۳۴۹ در مرتبه استادیاری تمام‌وقت در گروه باستان‌شناسی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران مشغول به کار شدم. استاد و راهنمایم شادروان دکتر عزت‌الله نگهبان تدریس درس «باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ بین‌النهرین» خود را به من واگذار کرد. در مهرماه همان سال تدریس این درس را برای دانشجویان مقطع کارشناسی (لیسانس) آغاز کردم. تدریس این درس در مقطع کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) را تا سال ۱۳۵۸ همچنان شادروان دکتر نگهبان به عهده داشت و از مهرماه ۱۳۵۸ تدریس این درس را برای مقطع کارشناسی ارشد نیز اینجانب عهده‌دار شدم.

در تابستان سال ۱۳۴۹ از آغاز تیرماه تا اواسط آبان‌ماه در بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی دانشکده ادبیات در دشت قزوین عضو هیئت بوم و تنها بعدازظهرهای یکشنبه به تهران می‌آمدم و بعدازظهر دوشنبه به دشت قزوین مراجعت می‌کردم. از آنجا که رشته اصلی تحصیلم در موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو «باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ ایران و بین‌النهرین» بود در ترم اول سال تحصیلی ۱۳۵۰-۱۳۴۹ با استفاده از مختصری از یادداشت‌های دوران تحصیلم و نمایش اسلایدهای مرتبط با موضوع هر جلسه کلاس‌های درس را در گروه باستان‌شناسی اداره کردم. لازم به یادآوری است که در موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو تدریس درس باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ بین‌النهرین در سه ترم متوالی توسط شادروان پرفسور دلگاز به‌طور خصوصی برای سه دانشجو تدریس شده بود که خوشبختانه من یکی از آن سه نفر بودم. برای ترم دوم این یادداشت‌ها را تدوین کردم و به صورت جزوهای ۵۰ صفحه‌ای تکثیر و در اختیار دانشجویان قرار دادم. با استفاده از تعطیلات تابستان ویرایش جدیدی از آن‌را همراه با اضافات در جزوهای حدود یکصد صفحه درباره فرهنگ‌های پیش‌ازتاریخ بین‌النهرین از آغاز تا دوران آغاز نگارش (همان آغاز ادبیات مصطلح در آن زمان) تهیه کردم و در ترم‌های بعدی تا زمان بازنشستگی در سال ۱۳۷۹ در آغاز هر ترم تکثیر و در اختیار دانشجویان قرار می‌دادم.

با استفاده از تعطیلات ۶۰ روزه تابستان ۱۳۷۳ به خارج سفر کردم. قبل از سفر و در اوایل خردادماه یکی از دانشجویان که با درجه کارشناسی (لیسانس) فارغ‌التحصیل شده بود تقاضا کرد که اجازه چاپ جزوه این درس را همراه با جزوه سه درس دیگر، که تدریس آنها را به عهده داشتم، رایگان به ایشان واگذار کنم که چنین کردم و این جزوه همراه با سه جزوه دیگر در کتابی با عنوان «مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر پیش‌ازتاریخ: مبانی باستان‌شناسی ایران، بین‌النهرین و مصر» برای نخستین بار در ۱۳۷۳ چاپ و منتشر گردید. در شناسنامه این کتاب نوشته شده بود: تألیف صادق ملک‌شهمیرزادی و تدوین حسین محسنی و محمدجعفر سروقدی. تنها مسئولیتی که از نظر تدوین به عهده نامبردگان بود این بود که چهار جزوه درسی اینجانب را به صورت ترتیب عناوین تنظیم کرده بودند. من برای اولین بار فرم چاپی را در اواخر شهریور ۱۳۷۳ دیدم و نمونه خوانی و غلط‌گیری‌های چاپی اگر انجام شده بود توسط چاپگرها صورت گرفته بود. این کتاب در ۱۰۰۰ نسخه چاپ شده بود. قرار شد که برای چاپ دوم آن را شخصاً ویرایش کنم و اگر مطلبی باید به آن اضافه می‌شد این کار صورت بگیرد. متأسفانه چاپ دوم و سوم کتاب هم بدون بازبینی اینجانب منتشر شد. با مراجعه به دادگستری و شکایت کتبی از چاپگرها به ظاهر موفق به جلوگیری از چاپ بعدی کتاب شدم. با درخواست کتبی در خردادماه ۱۳۷۹ بعد از ۳۰ سال تقاضای بازنشستگی کردم و خوشبختانه در ۱۵ بهمن آن سال با درخواستم موافقت شد و در مرتبه استادیاری بازنشسته شدم. مدتها از سرنوشت کتاب بی‌خبر بودم ولی در بهار سال ۱۳۸۷ متوجه شدم که تاکنون به‌طور غیر قانونی این کتاب بدون اطلاع اینجانب بدون هیچ تغییر و تجدیدنظری چندین بار چاپ شده است.

کتابی که هم اینک در دست است ویرایش جدیدی از آن جزوه است که همراه با اضافات و طرح‌ها و چند تصویر فراهم شده است. این بار امتیاز چاپ و انتشار آن را به دوستم مهران غلامی واگذار کردم که به امانت‌داری و دقت او در چاپ و نشر کتاب‌های مرتبط با موضوعات باستان‌شناسی اعتماد و اطمینان دارم. تمام نقصان‌ها و اشتباهات را شخصاً به عهده می‌گیرم و انتقادات سازنده را به منت می‌پذیرم و به تنگ‌نظری‌ها و بد ادبی‌ها اعتنایی نمی‌کنم. این نوشتار تنها اشاره‌ای است بسیار کوتاه و مختصر در معرفی فرهنگ‌های پیش‌ازتاریخ بین‌النهرین.

صادق ملک‌شهمیرزادی

تهران، فروردین‌ماه ۱۳۹۰

جغرافیای طبیعی بین‌النهرین

یکی از مراکز قدیم فرهنگ و تمدن در شرق میانه، یا شرق نزدیک، سرزمین بین‌النهرین است که به‌وسیله دو رود پرآب دجله و فرات مشروب می‌شود. این دو رود از کوه‌های ارمنستان سرچشمه می‌گیرند و با فاصله زیادی از یکدیگر و با سرعت زیاد پس از گذشتن از معابر عمیق وارد جلگه بین‌النهرین گشته پس از مشروب نمودن آن قسمت به طرف جنوب سرازیر می‌گردند. در حوالی شهر بغداد امروزی فاصله این دو رود از یکدیگر کم می‌شود و به حدود ۳۰ کیلومتر می‌رسد. دوباره هر چه به طرف جنوب می‌روند از یکدیگر فاصله گرفته تا به بین‌النهرین سفلی می‌رسند. در محلی به نام قورنه (قرنه) این دو رودخانه به‌هم پیوسته و شط‌العرب را تشکیل می‌دهند و از آنجا پس از پیوستن رودخانه کارون به آنها با نام اروندرود وارد خلیج فارس می‌شوند.

محدود ساختن بین‌النهرین کار چندان آسانی نیست ولی می‌توان جلگه بین‌النهرین را از مشرق به فلات ایران و کوه‌های زاگرس و از مغرب به صحرای تار (صحرای شام) محدود نمود. در شمال بین‌النهرین فلات آسیای صغیر واقع شده است که تا حدودی از نقطه‌نظر وضعیت طبیعی شبیه فلات ایران است. به‌طور کلی بین‌النهرین از دو قسمت تقریباً متمایز شمالی و جنوبی تشکیل شده است: قسمت شمالی، یعنی دامنه کوهستانی و کوه‌های شمال شرقی که خود از سلسله جبال زاگرس هستند و به رشته کوه‌های تاروس می‌پیوندند و مرتفع‌ترین قسمت آن در مرز بین ایران و ترکیه و عراق قرار گرفته؛ و قسمت جنوبی، که شامل سرزمین‌های پست مرکزی و زمین‌های باتلاقی نزدیک دهانه خلیج فارس است. بین‌النهرین معرف نام سرزمینی است که برای اولین بار به‌وسیله مورخان یونانی به اراضی بین دو رودخانه دجله و فرات اطلاق می‌شده است. رود فرات که در زبان سومری با آن بورانونا (Buranuna) گفته می‌شد ۲۸۰۰ کیلومتر راه را در مسیر خود طی می‌کند. سومری‌ها رود دجله را که حدود ۲۰۰۰

کیلومتر طول دارد ایدیگنا (Idigna) می‌نامیدند. در تورات نام دجله و فرات به صورت زیر آمده است: «و سیوم حداقل است که به طرف مشرق آشور جاریست و نهر چهارم فرات است» (نقل از: سفر تکوین، فصل دوم - ۱۴). دجله پرآب‌تر و سریع‌تر، و فرات کم‌آب‌تر و آرام‌تر و دارای ساحلی پست‌تر بوده و برای کشتیرانی (حرکت به وسیله بلم و قایق و کلک و نظایر آنها) مناسب‌تر از دجله است. هرچند این دو رودخانه پس از تشکیل شط‌العرب و پیوستن به اروندرود به صورت رود واحدی به خلیج فارس می‌ریزند ولی به احتمال قریب به یقین در گذشته هر یک دارای مصب جداگانه‌ای بوده‌اند.

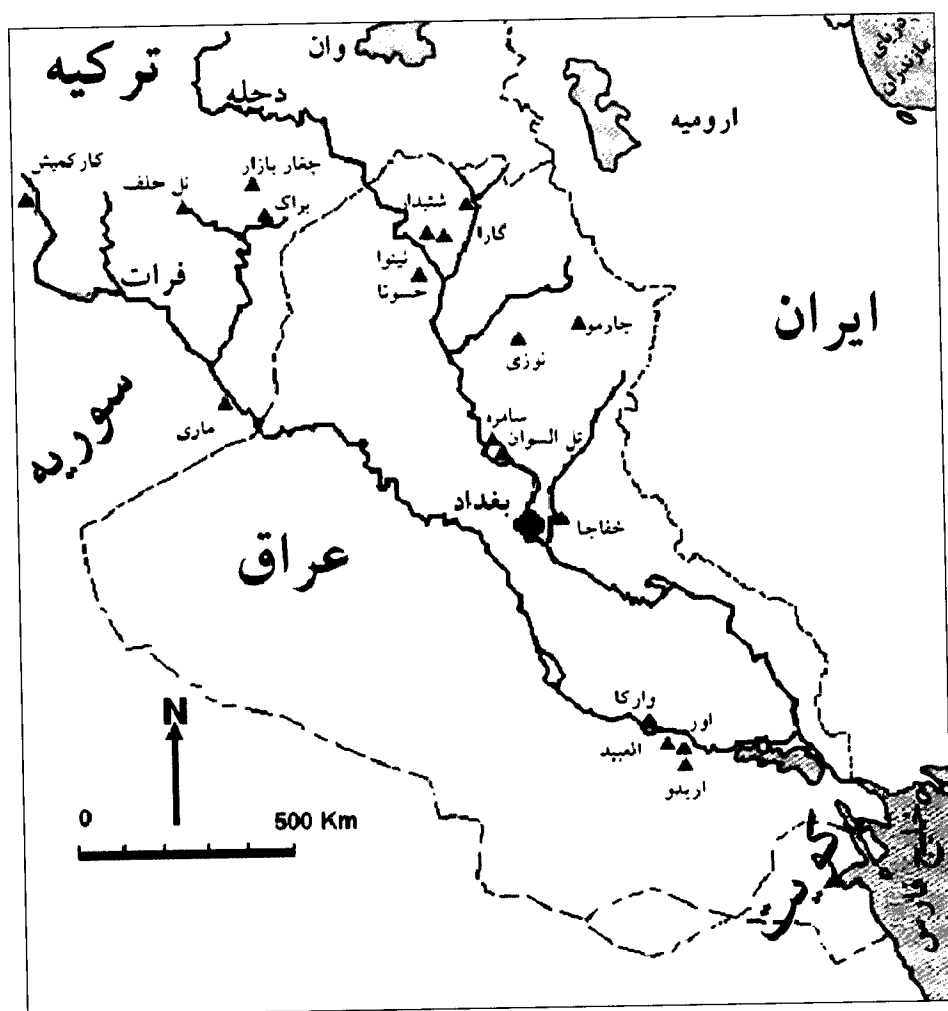
از نقطه نظر اقلیمی شمال و جنوب بین‌النهرین یکنواخت نبوده و وحدت و یکپارچگی که تاحدودی در دو طرف رود نیل از جنوب به شمال ملاحظه می‌شود در اینجا وجود نداشته و هم‌اکنون نیز ندارد. در جنوب بین‌النهرین اقتصاد کاملاً به رودخانه و طغیان‌های سالیانه آن بستگی کامل دارد. یکی دیگر از خصوصیات این قسمت به علت وضعیت خاص طبیعی آسانی کانال‌سازی در این منطقه است. این امری بوده که از زمان سومری‌ها، از اقوام اولیه ساکن در این قسمت، طوایف و گروه‌های مختلف انسانی را به خود جلب نموده است. در قسمت‌های دیگر بین‌النهرین نیز اقتصاد تاحدود زیادی متکی به جریان رودخانه بوده است. در شمال بغداد، یعنی بین‌النهرین مرکزی رودخانه‌های دیاله و زاب کوچک و بزرگ و همچنین رودخانه خابور سبب ایجاد نظم اقتصادی خاصی می‌شدند.

در شمال بین‌النهرین هوا سردتر و زمستان‌ها با برف زیادی همراه است؛ فصل گرما نسبتاً کوتاه‌تر و در بیشتر قسمت‌ها زراعت دیم نوع اصلی کشاورزی است. در این قسمت درختان میوه در مقابل تغییرات جوی مقاومت بیشتری را از خود بروز می‌داده و می‌دهند.

از نقطه نظر جغرافیای نظامی سرزمین بین‌النهرین را باید سرزمین باز نامید، زیرا بر خلاف مصر که از هر طرف بسته است دسترسی به قسمت‌های مختلف بین‌النهرین آسان است.

از نقطه نظر فرهنگی نیز بین‌النهرین، بر خلاف مصر که تا مدت‌ها در انزوا به سر می‌برده، از مرادۀ فرهنگی در زمینه‌های مختلف با مناطق مجاور تاحدود بسیار زیادی برخوردار بوده است. این ارتباط فرهنگی در دوره‌های پیش از تاریخ با مناطق نزدیک، و از دوره آغاز ادبیات بر اساس آثاری که از مصر و بین‌النهرین به دست آمده است و علاوه بر شباهت‌های ظاهری در چند مورد کاربرد برخی از پدیده‌های صنعتی در مواردی حکایت از یک ارتباط مستقیم و یا فکری می‌نمایند. از آنجا که دوره‌های استقرار و به خصوص دوره اول استقرار، همراه با استفاده از سفال بوده، یکی از راه‌های ثبوت وجود ارتباط میان بین‌النهرین و سرزمین‌های مجاور نوع و فرم و نقش و تکنیک سفال است.

نظر به اهمیت سفال در بررسی ارتباطات فرهنگی بین مناطق مختلف واقع در شرق نزدیک در پیوستی به توصیف سفال خواهیم پرداخت.



مقدمه‌ای بر مطالعات باستان‌شناسی بین‌النهرین

تپه‌های باستانی بین‌النهرین، ایران، مصر، و... و معابد و کاخ‌ها و... ویرانه‌های جهان مدفن بقایای تمدن‌های باشکوهی هستند که با زبان خاص خود ارتقاء اجتماعات انسانی را پس از طی مراحل مختلف به مدنیت، علم، اخلاق، هوش، ذکاوت، ذوق، سلیقه و طبیعت هر ملت، و عقاید و مذاهب و روش‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، و... اقوام مختلف را برای ما بازگو می‌کنند. البته فهمیدن و درک آن زبان قواعد و نظامات خاص خود را دارند که آن قواعد و نظامات را «علم باستان‌شناسی» می‌نامیم. قواعد علم باستان‌شناسی خود دارای اصول و پایه‌هایی هستند که از آنها به عنوان ابزار و وسایل اولیه باید استفاده نمود. در باستان‌شناسی کلمات استفه‌امی از قبیل کی؟، کجا؟، چه وقت؟، چگونه؟ و چرا؟ و امثالهم برای مطالعه و بازشناسی وضعیت فرهنگ‌ها و تمدن‌های گذشته که امروزه بقایای آنها به صورت ویرانه یا تل‌هایی خاکی باقیمانده است دائماً مورد استفاده قرار می‌گیرند مثلاً وقتی می‌خواهیم کاخ آپادانا را، که به‌وسیله داریوش هخامنشی ساخته شده، مورد مطالعه قرار بدهیم و فرض را بر این بگذاریم که از نام، سازنده و تاریخ ساخت آن هیچ اطلاعی نداریم ابتدا سؤال می‌کنیم این کاخ در کجا واقع شده است؟ جواب می‌دهیم که در صفه تخت جمشید، دامنه کوه رحمت سر راه اصلی تهران به شیراز در ۶۰ کیلومتری شمال شهر شیراز، و به همین ترتیب درباره سازنده بنا و تاریخ بنا و علت ایجاد بنا و سایر خصوصیات آن سؤال‌های مناسبی طرح و برای پاسخ به هر یک از آنها مطالعه را دنبال می‌کنیم. پس با طرح این نوع سؤالات مقدماتی، برای به‌دست آوردن اطلاعات بیشتر سؤالات خود را ادامه می‌دهیم و بالاخره به اصل و سرچشمه قومی خواهیم رسید که شاخه‌ای از آن موفق به تشکیل یک امپراتوری بزرگی شدند که یکی از پادشاهان آن کاخی بنا کرد که امروزه ما آن را به نام «کاخ آپادانا» در تخت جمشید می‌شناسیم. ولی از آنجا که تمام آثار و بقایای تمدن‌های

باستانی به صورت کاخ یا معبد و بناهای استثنایی جلوه‌گر نمی‌شوند و تا حدودی سالم باقی نمی‌مانند و اکثر آنها در اثر گذشت زمان و تأثیر عوامل طبیعی و غیر طبیعی دستخوش تغییرات عمده‌ای می‌شوند و گاهی به صورت تل‌های خاکی درمی‌آیند لذا باید برای بررسی و شناخت آنها از روش‌های دیگری استفاده نمود.

بنا به گفته ویل‌دورانت بین‌النهرین که روزگاری گاهواره تمدن دنیای باستان بوده است، ولی امروزه سراسر آن قسمت از دنیای باستان از اتلالی چند پوشیده است و هر کدام شاهی از چگونگی برداشتن گام‌های جوامع انسانی در ادوار مختلف به سوی مدنیت هستند، ما را در شناختن وضعیت فرهنگی و تمدنی دنیای باستان، به خصوص خاور نزدیک و میانه یاری می‌نماید. برای شناختن آن گذشته‌ها باید با ردیابی نتیجه کاوش‌ها و بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی که در این قسمت شده، دامنه مطالعات خود را وسعت دهیم تا بهتر بتوانیم یادگار گذشتگان خود را شناسایی و در حفظ و حراست آن برای نسل‌های آینده کوشا باشیم.

برای علم باستان‌شناسی تعاریف متعددی موجود است. مثلاً خانم کاتلین کنیون (Kathleen M. Kanyon) یکی از پیشگامان وضع اصول برای علم باستان‌شناسی، باستان‌شناسی را چنین تعریف می‌کند که: «عبارت است از علم پی بردن به گذشته بشر با مطالعه آثار و بقایای به‌جامانده از او و همچنین مطالعه آثار گذشته». و تعریف دیگری از این نوع عموماً پایه بحث را بر اساس مدارک و شواهد مادی باقی‌مانده از انسان قرار داده‌اند. چنانچه علاوه بر شواهد و مدارک مادی باقی‌مانده روش زندگی، عبادات، برداشت‌های هنری، فلسفه اصول و روابط تجاری، اقتصادی، زناشویی و... را هم قسمتی از فرهنگ جوامع محسوب نماییم، که باید چنین کرد، در آن صورت می‌توان گفت که باستان‌شناسی عبارت از یک سیستم علمی است که از آن برای شناخت چگونگی فرهنگ‌های گذشته استفاده می‌کنیم.

با توجه به عنوان و هدف باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ بین‌النهرین سعی بر این خواهد بود که با توجه به مدارک و شواهد ملموس که در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی مختلف از اتلال پیش‌ازتاریخی بین‌النهرین به‌دست آمده است مراحل مختلف فرهنگی و تمدنی این قسمت از جهان باستان را مورد مطالعه قرار دهیم و به مناسبت‌هایی تا آنجا که بتوان از آثار و بقایا استنباط نمود درباره روش زندگی و ارتباطات فرهنگی مناطق مختلف بحث و گفتگو نماییم. بررسی اجمالی تاریخچه بررسی‌ها و حفاریات انجام شده در بین‌النهرین به مقدار زیاد می‌تواند ما را در شناخت هر چه بیشتر کلیات مربوط به تمدن‌های پیش‌ازتاریخ منطقه یاری نماید.

تا پایان قرن ۱۸ میلادی اطلاعات موجود درباره تمدن و فرهنگ پیش‌ازتاریخ و دوران تاریخی بین‌النهرین و شرق نزدیک منحصر بود به نوشته‌های کتب مذهبی و اساطیری که از خلال نوشته‌های